



خاطرم است که من ۲ ماه هر روز با مسئول دفتر ایشان تماس می‌گرفتم و ایشان می‌گفت به معاونت مربوطه تماس بگیر من می‌گفتم باید درخواستم را به صورت شخصی به خود آقای دکتر بگویم و بعد از ۲ ماه یک روزی این مسئول دفتر گفت که آقای شما ۵ دقیقه جلسه‌ات را بگذار و برو ما را کشتی

بازار داخل و خارج از کشور

در مورد بازار پنجه‌های کربنی چه در داخل و چه در خارج باید بگویم که ما حدود ۱۵۰ هزار نفر افرادی داریم که پایشان قطع شده است. دلایلش هم یکی تصادفات است و یکی بحث دیابت و بیماری‌های عروقی و متأسفانه جنگ، و مواردی از این دست. در منطقه می‌توانم به عراق اشاره کنم که حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر فرد قطع پا دارد، سوریه ۲۵۰ هزار نفر. افغانستان ۴۵۰ هزار نفر. این آمار نشان می‌دهد که هم در کشور ما و هم در منطقه نیاز اساسی به تجهیزات به‌روز توانبخشی وجود دارد ما توانستیم تقریباً در این چند سال حدود ۵ هزار پنجه به افراد داخل کشورمان فروش داشته باشیم و صادرات هم به کشورهای مختلف به‌صورت موردی داشته باشیم و دنبال این هستیم که ان‌شاءالله بتوانیم در چند کشور موضوع راه‌اندازی خط تولید را داشته باشیم.

طرح گامی نو؛ وام برای معلولان

از آن ۱۵۰ هزار نفری که خدمتتان عرض کردم که در کشورمان قطع پا هستند حدود ۱۵ هزار نفرشان از جانبازهای عزیز هستند که هزینه‌های پروتزشان را بیمه پوشش دهی می‌کند ولی مابقی که حدود ۱۳۵ هزار نفر هستند متأسفانه از این امکان محروم هستند و با توجه به اینکه عملاً بعد از ۲-۳ سال نیاز به تجدید پروتز دارند هزینه بسیار زیادی را متحمل می‌شوند. یکی از اساسی‌ترین مشکلات ما برای فروش محصولات پنجه کربنی به معلولان این بود که معلولان توان پرداختش را به‌صورت نقد نداشتند. اعتقاد ما این است که یک شرکت دانش بنیان نباید فقط محصول دانش بنیان تولید کند باید در فرایند فروش و مدیریتش هم بتواند آن محوریت دانش و خلاقیت و نوآوری را داشته باشد. برای همین موضوع من با بانک مهر ایران وارد مذاکره شدم برای اینکه بتوانیم شرایطی را برای افراد قطع پایی ایجاد کنیم. حدود یک سال و نیم پیگیری این موضوع بودم که ببینم به چه صورت می‌توانیم پنجه‌های کربنی را به‌صورت اقساط بلندمدت با سود و کارمزد پایین ۴ درصد، در اختیار معلولان عزیز قرار بدهیم. در این فضا اتفاقات مختلفی افتاد حدوداً یک سال پیگیری کردم با مدیر بازاریابی بانک مهر که متأسفانه ایشان تغییر مسئولیت پیدا کرد و مدیریت کل بانک هم در ادامه مسیر عوض شد. با مدیر جدید بازاریابی بانک که صحبت کردم گفتند با اقساط بلندمدت ۱۲ ماهه و فقط برای هزینه پنجه کربنی می‌توانیم بدهیم. اما ما می‌خواستیم اقساط ۱۸ ماهه باشد و علاوه بر هزینه پنجه کربنی هزینه کل پروتز را بانک به‌صورت اقساط بدهد؛ چون کسی که هزینه پنجه ما را نداشت بدهد قطعاً هزینه کل پروتز را هم نمی‌توانست بدهد پس اگر ما می‌خواستیم یک راهکار منطقی پیدا کنیم این بود که بتوانیم مسیری را ایجاد کنیم که بانک بیاورد هزینه کل پروتز را در اقساط بلندمدت با کارمزد کم بتواند شخص قطع عضو بدهد. گفتند فقط مدیرعامل بانک این اختیار را دارد که این شرایطی را که شما می‌خواهید ایجاد کند. آن موقع من مدیرعامل بانک را اصلاً نمی‌شناختم، توکل کردم به خدا و تماس گرفتم با مسئول دفتر ایشان. خاطرم است که من ۲ ماه هر روز با مسئول دفتر ایشان تماس می‌گرفتم و ایشان می‌گفت با معاونت مربوطه تماس بگیر من می‌گفتم باید درخواستم

را به‌صورت شخصی به خود آقای دکتر بگویم و بعد از ۲ ماه یک روزی این مسئول دفتر گفت که آقای شما ۵ دقیقه جلسه‌ات را بگذار و برو ما را کشتی. ما رفتیم آنجا و با مدیریت محترم بانک مهر که واقعاً انسان بسیار شریف و دغدغه‌مندی است در جریان گذاشتیم این موضوع را و ایشان استقبال کردند و گفتند من هر طوری بتوانم به معلولان کمک می‌کنم و خدا را شکر این اتفاق مبارک افتاد که افراد قطع عضو کشور ما بتوانند هزینه کل پروتزشان را در ۱۸ ماه پرداخت کنند و اسم این طرح را هم گذاشتیم طرح گامی نو؛ که ان‌شاءالله گامی نو باشد برای افراد قطع عضو که بتوانند روی پای خودشان بایستند.

بیمه معلولان حاصل ۱۰ سال تلاش و پیگیری

از همان اوایل فعالیتیم در حوزه توانبخشی و پنجه‌های کربنی یکی از مشکلات و دغدغه‌ها و خلأهایی که دیدم نبود پوشش دهی بیمه بود که از همان موقع پیگیری بودم و معتقدم این موضوع یکی از خواسته‌های اصلی و بحق معلولان است که چندین سال است پیگیری هستند؛ من از قالب مدیرعاملی شرکت کامپوزیت گستر بیرون آمده بودم و به‌عنوان یک دغدغه‌مند اجتماعی در حوزه معلولان اقدام می‌کردم با نماینده‌های متعدد مجلس و با مسئولان مختلف صحبت کردم. یادم است در یک بازدید آقای دکتر ستاری به من گفتند که چه کمکی می‌توانم به‌تان بکنم؟ گفتم آقای دکتر ستاری می‌دانم وظیفه شما در حوزه فناوری و نوآوری کشور است ولی دستم به مسئولان دیگر نمی‌رسد. خواهش من این است که کمکمان کنید در مسأله بیمه معلولان. و ایشان افسوس خوردند و گفتند که متأسفم که نمی‌توانم کمک کنم؛ چون واقعاً حوزه من نیست. منظور من این است

